



## نصرالله صالحی

### ۴۱. تاریخچه نوریس

در طول دوران حکمرانی دو بیست و اندی ساله صفویان، میان دو دولت ایران و عثمانی جنگ‌های متعددی روی داد. یکی از آخرین نبردها بعد از فروپاشی صفویه، نبرد بر سر ایروان بود. هفت سال بعد از تصرف ایروان از سوی عارفی احمدپاشا، شاه طهماسب دوم با سپاهی فراوان در ۱۷۳۱ م/ ۱۱۴۳ هـ به این شهر لشکرکشی کرد. وی با وجود محاصره شهر، در نهایت مغلوب سپاه عثمانی به فرماندهی حکیم اوغلو علی پاشا شد و با قبول شکست عقب‌نشینی کرد.

نورس که وظیفه اصلی و نخست او در همراهی اردوی عثمانی منشی‌گری بوده، در جبهه و پشت جبهه حضور داشته و مشاهدات خود از رویارویی نظامی دو اردوی عثمانی و صفوی و نیز نتایج آن را با جزئیات به رشته تحریر درآورده است. فتحنامه ایروان و تاریخچه نوریس<sup>۱</sup> به‌عنوان دو تک‌نگاری ارزشمند، از لحاظ موضوع و نیز دوره زمانی، هم‌پوشی زیادی با هم دارند. اثر نخست پیشتر به فارسی ترجمه و منتشر شده است.<sup>۲</sup> این دو اثر، تصویر دقیق و روشنی از روند رویارویی ایران و عثمانی در ایروان از ۱۷۲۴ م/ ۱۱۳۶ هـ تا ۱۷۳۱ م/ ۱۱۴۳ هـ

۱. این اثر به همت حسین آق‌قاپا تصحیح انتقادی شده و همراه با مقدمه و عکس نسخه خطی در ترکیه منتشر شده است (نک: منابع).  
 ۲. سلحشور خاصه کمانی مصطفی آغا (۱۳۹۴). فتحنامه ایروان (روابط ایران و عثمانی در آستانه برافتادن صفویان) ۱۱۳۲-۱۱۳۷ هجری قمری. تصحیح و مقدمه محمدمنیر آق‌تپه، ترجمه از ترکی عثمانی، مقدمه، توضیحات و پیوست‌ها نصرالله صالحی و صفیه خدیو. تهران: طهوری.

عبدالرزاق نورس افندی در کرکوک زاده شد. او از شاعران و نویسندگان معروف سده ۱۲هـ/ ۱۸م عثمانی بود و با تخلص «نورس» شعر می‌سرود. برای اینکه از فرد همنام بعد از خود متمایز شود، در ادبیات ترک به «نورس قدیم» مشهور شده است. ابن‌الامین محمد کمال بک افندی شرح حال مفصلی درباره «نورس» به رشته تحریر درآورده است (OM, II. 459). (Babinger. S. 322).

نورس در سنین جوانی به استانبول آمد و وارد صنف موالی شد. در این شهر به تحصیل پرداخت و بعد از اتمام تحصیل به مقام مدرّسی رسید. در اثنای لشکرکشی سرعسکر علی پاشا حکیم اوغلو به شرق، همراه وی بود. وی با وظیفه تحریر نامه‌های رسمی، در سمت منشی، انجام وظیفه می‌کرد. بعد از اینکه حکیم اوغلو علی پاشا، به‌علت کسب پیروزی در لشکرکشی، به مقام صدراعظمی رسید، نورس نیز همراه وی به استانبول آمد و به مناصب مختلفی دست یافت؛ از جمله منشی‌گری، کتابداری، مدرّسی، نیابت قاضی و قضاوت بوسنی، توقات و فلبه (Filibe (Plovdiv)). زبان تند و گزنده‌اش، به‌مرور زمان، او را از اعتبار انداخت و از استانبول دور ساخت. در اواخر قاضی‌گری در فلبه، به نقاط مختلفی تبعید شد. پس از پایان دوره تبعید، به‌عنوان قاضی کوتاه‌هیه منصوب شد. در اواخر زندگی بار دیگر به بورسای تبعید شد و سرانجام در همانجا در ۱۱۷۵ هـ درگذشت. از نورس سه اثر منظوم و چهار اثر منثور باقی مانده است.

به دست می‌دهند.

از اثر مورد اشاره، در منابع با اسامی مختلفی یاد شده است؛ از جمله «تاریخچه»، «تاریخچه نوری»، «تبریزیه حکیم اوغلو علی پاشا»، «وقایعه تبریز»، «تبریزیه»، «تبریزین استرداد دایر رساله» و «عبدالرزاق نورس افندنن قلمه آلدیغی رساله».

از نورس افندی، به جز تاریخچه، آثار دیگری شامل سه اثر منظوم و سه اثر منثور نیز باقی مانده است: تورکچه دیوان (دیوان ترکی)، فارسجه دیوان (دیوان فارسی)، غزوه بدر، منشآت، مبالغ الحکم و ترجمه تاریخ جهانگیرشاه. چهار اثر نخست تألیف و دو اثر آخر از زبان فارسی به ترکی ترجمه شده است.



و اما تاریخچه نوری تک‌نگاری ارزشمندی است از کم و کیف رویارویی ایران و عثمانی بر سر ایروان در سال ۱۱۴۳ هـ. درباره این رویداد مهم، منبع مستقلی به فارسی در دست نیست. از منابع تاریخی موجود نیز نمی‌توان تصویر دقیق و کاملی به دست آورد. اثر حاضر گزارشی دقیق و دست اول از رویداد مزبور به دست می‌دهد. نویسنده از نخستین روز حرکت سپاه عثمانی از استانبول در رجب ۱۱۴۳ هـ تا بازگشت فاتحانه آن به این شهر در ذی‌قعدة ۱۱۴۴ هـ، به تفصیل و با جزئیات، به شرح چگونگی رویارویی ایران و عثمانی پرداخته است. وی از نزدیک شاهد عینی برخوردهای نظامی بوده و نیز به‌عنوان منشی فرمانده عثمانی، در جریان جزئیات تصمیم‌گیری‌های طرف عثمانی قرار داشته است؛ از این رو، اطلاعات ارزشمندی را که گاه جنبه محرمانه داشته است در اختیار می‌گذارد.

از روایت نویسنده می‌توان به نکات مهمی در نحوه برخورد دو سپاه و سرانجام نبرد دو طرف دست یافت. وی بارها از فرماندهان دو سپاه ایران و عثمانی نام می‌برد و به نقش آنها در نحوه اداره جنگ می‌پردازد. از جمله: بلوچ محمدخان و اللهیارخان از سپاه ایران و حکیم اوغلو علی پاشا و احمدآغا از سپاه عثمانی. نویسنده در جایی به ناتوانی عثمانیان در غلبه بر سپاه ایران و استیصال آنها سخن گفته و راه چاره را در توسل به مکر و حيله دانسته و توضیح داده است که فرماندهی عثمانی برای شکست قوای ایران، راهی جز بدنام کردن بلوچ محمدخان

و جدا ساختن او از سپاه شاه طهماسب نیافته و لذا با تدابیر حساب‌شده حيله خود را عملی ساخته و مقدمات شکست سپاه ایران را فراهم ساخته است. تاریخچه نوری، در مجموع، برای آگاهی از تاریخ روابط ایران و عثمانی در سال‌های مقارن با برافتادن صفویان، تاریخ قفقاز و ایروان، و نیز تاریخ جنگ ایران و عثمانی در ۱۱۴۳ هـ اثر مهمی است. این اثر به فارسی ترجمه شده و در دست انتشار است.

#### منابع

- بروسه‌لی محمدطاهر (۱۳۳۳ق). عثمانلی مؤلفلری. استانبول: مطبعة عامره.
- TDVİA, s.v. "NEVRES, Abdürrezzâk" (by - Hüseyin Akaya), vol. 33, p. 57.
- Târîhçe-i Nevres, İnceleme ve Tenkitli Metin, Hüseyin Akkaya. İstanbul, Kitabevi, Ocak 2004.
- Franz Babinger Osmanli Tarih Yazarlari ve Eserleri, Çeviren: Coşkun Üçok, Ankara, 1992.

